

## اعتبارسنجی الصحیفة السجادیة

احمد غلامعلی<sup>۱</sup>

### چکیده

صحیفة سجادیة، مشهورترین میراث حدیثی اهل بیت - علیهم السلام - است که برخی سند آن را متواتر خوانده‌اند. با وجود این ادعا، در موضوعات همسو با آن، در کتاب‌های فقهی کمتر به صحیفة سجادیة استناد شده است. مسأله اصلی در چگونگی پدید آمدن ادعای تواتر صحیفة سجادیة است. حقیقت، آن است که ادعای تواتر صحیفة با معیارهای دانش رجال سازگار نیست، ولی گردآوری قراین گوناگون، به ویژه در نگاه فهرستی و طریق به کتاب، بیان‌گر اعتماد به صدور صحیفة سجادیة‌ای است که به عنوان صحیفة کامله سجادیة نامبردار است. نوشتار حاضر، ارزیابی رجالی برای اعتماد به میراث مکتوب را ناکارآمد می‌داند و با فراهم آوردن قرینه‌هایی، اطمینان عرفی به این کتاب را ثابت می‌کند. دستاورد این پژوهش آن است که نام بردن راویان و ذکر طریق در میراث کتاب‌های مشهور از باب تیمن و تبرک است و مسند بودن دسترسی به کتاب را نشان می‌دهد و ناشناخته بودن برخی راویان خللی بر میراث مکتوب وارد نمی‌کند. البته قرینه‌هایی مانند وجود سندهای متفاوت برای برخی از دعاها، وجود روایت‌های پنج‌گانه صحیفة و نیز طریق زیدیه تا اندازه‌ای ضعف سندی صحیفة سجادیة را جبران می‌نماید.

کلید واژه‌ها: اعتبار صحیفة سجادیة، روایات صحیفة، ارزیابی فهرستی، ارزیابی رجالی.

### درآمد

صحیفة سجادیة یکی از مشهورترین کتاب‌های شیعی است که از دیرباز در میراث حدیثی شناخته شده است. این کتاب پیش از این با نام‌های «صحیفة عتیقة»<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. الامالی، مفید، ص ۲۳۹، ح ۳.

«الکامل»،<sup>۳</sup> «دعاء الکامل»<sup>۴</sup> و «دعاء الصحیفة»<sup>۵</sup> در میان فهرست نگاران شناخته می شده و عنوان «الصحیفة الکاملة» در روایت بلخی از ابن اعلم آمده است.<sup>۶</sup> ابن شهر آشوب در قرن ششم نیز از همین تعبیر استفاده کرده است.<sup>۷</sup> صحیفة سجّادیه در گذر زمان به «زبور آل محمّد»<sup>۸</sup> و «انجیل اهل بیت»<sup>۹</sup> مشهور شده است. زبور حضرت داوود به سبک دعا و دارای کلمات آهنگین بوده است. شباهت صحیفة به انجیل هم در محتوای حکمت آموز آن است. شهرت این کتاب و محتوای ژرف آن سبب شده است که برخی عالمان، با ادعای تواتر صحیفة، بررسی های رجالی در باره آن را مسکوت بگذارند؛<sup>۱۰</sup> اما حقیقت، آن است که با وجود شمارش اسناد فراوان برای صحیفة سجّادیه،<sup>۱۱</sup> از نظرگاه دانش مصطلح الحدیث، سند صحیفة را نمی توان متواتر خواند؛ زیرا فراوانی راویان در همه طبقات مشاهده نمی شود و راویان دو طبقه اول به یک پدر و پسر به نام های: متوکل بن هارون و عمیر بن متوکل منحصر است. بنا بر این، سند این کتاب در زمره خبر واحد قرار می گیرد. در سال های اخیر، مطالعه و بررسی سند صحیفة سجّادیه از نگاه پژوهشگران پوشیده نمانده و خوشبختانه، آثار گران بهایی در این زمینه منتشر شده است.<sup>۱۲</sup> البته در این آثار بیشتر به توضیح طریق صحیفة کامله و معرفی افراد واقع در سند و نیز برطرف کردن برخی ابهامات در خصوص «حدثنا» در ابتدای سند پرداخته شده است و سپس دیدگاه های برخی عالمان - که سند صحیفة را متواتر خوانده اند - منعکس شده است. بی تردید، ادعای تواتر عالمان باید با شاخصه های شناخته شده تواتر سازگار باشد؛ در غیر این

۳. این عنوان را آقای حسینی جلالی در *دراسة حول الصحیفة*، ص ۱۰، به نقل از *رجال الطوسی* (ص ۲) آورده است که یافت نشد. البته در ابتدای نسخه قدیمی صحیفة ای که در آستان قدس یافت شده است، چنین آمده است: «کتاب الدعوات من قبیل علی بن الحسین، جدّ جعفر بن محمد الصادق - رحمة الله علیه - ویسمی کتاب الکامل لیحسن ما فیہ من الدعوات. والأصل لأبی علی الحسن بن إبراہیم بن محمد الزامی الهیضوی أشعده الله».

۴. *رجال الطوسی*، ص ۴۱۲، ش ۵۹۶۴.

۵. *رجال النجاشی*، ج ۱، ص ۴۲۶؛ *الفهرست* (طوسی)، ج ۱، ص ۴۷۷؛ *رجال الطوسی*، ج ۱، ص ۴۳۴.

۶. *الصحیفة السجّادیه*، ص ۷.

۷. *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، ص ۲۷۹؛ *معالم العلماء*، ص ۳۸.

۸. *معالم العلماء*، ص ۱۶۰، ش ۸۴۷.

۹. همان، ص ۱۶۶، ش ۸۸۶.

۱۰. *بحار الأنوار*، ج ۱۱۰، ص ۶۱ و ص ۹۵؛ *شرح الصحیفة*، ص ۴۵.

۱۱. *بحار الأنوار*، ج ۱۱۰، ص ۶۱.

۱۲. رک: *الصحیفة السجّادیه الجامعة*، ص ۶۲۷ - ۷۲۶؛ *الرسائل الرجالیة*، ص ۵۵۹ - ۶۲۵؛ «اسناد و مشایخ راویان

صحیفة کامله»، ص ۲۶.

صورت، تنها گفتاری از سوی عالمان در تأیید کتاب است و بس.

مسأله‌ای که در این نوشتار در پی حل آن هستیم، اعتبارسنجی صحیفه سجادیه از طریق فراهم آوردن قرینه‌های رجالی و فهرستی است. استفاده صحیح از قرینه‌ها اگر چه نمی‌تواند سند صحیفه را متواتر نشان دهد، ولی شهرت کتاب صحیفه سجادیه را می‌نمایاند و اطمینان عرفی به صدور این کتاب را از امام سجاد - علیه السلام - نشان می‌دهد؛ چرا که از منظر دانش مصطلح الحدیث و ارزیابی رجالی، وجود برخی افراد نظیر ابوالمفضل شیبانی در سلسله سند انتقال صحیفه، سبب ضعیف شمردن سند خواهد شد، ولی چنان چه با نگاه فهرستی به انتقال صحیفه سجادیه بپردازیم، راوی در اوج ضعف می‌تواند در انتقال میراث حدیثی امانت دار باشد. این مقاله نمونه‌ای از ارزیابی فهرستی و رجالی و تحلیل روشمند درباره وثوق به متون کهن است. از آنجا که متن در دسترس عموم علاقه‌مندان به ادعیه امام سجاد - علیه السلام - متن صحیفه کامله سجادیه (صحیفه مشهور) است، در این نوشتار ابتدا به معرفی صحیفه کامله سجادیه می‌پردازیم و سپس اعتبار آن را از دو دیدگاه رجالی و فهرستی بر می‌نماییم.

### صحیفه مشهور

صحیفه سجادیه کامله، مجموعه ۵۴ دعایی است که ابن سکون و یا عمید الرؤساء، از عالمان قرن ششم، با سلسله سند متصل از ابوالمفضل شیبانی، راوی سرشناس قرن سوم، گزارش کرده است. صحیفه‌ای که امام سجاد - علیه السلام - برای دو فرزندش امام باقر - علیه السلام - و زید بن علی به یادگار نهادند، ۷۵ دعا داشته است که نخستین راوی صحیفه جناب متوکل بن هارون ۶۴ دعای آن را رونویسی کرده است.

صحیفه ۶۴ دعایی متوکل بن هارون در اختیار فرزندش عمیر بن متوکل قرار گرفته و او صحیفه را برای شماری از روایان حدیث بیان کرده است. مهم‌ترین کسانی که نامشان به عنوان راوی عمیر بن متوکل آمده است، عبارت‌اند از:

۱. احمد المطهر که برای فرزندش «محمد بن احمد» روایت کرد و روایت او، «ابن مطهر» یا «مطهری» نام دارد.

۲. علی بن النعمان الاعلم؛ روایت «ابن اعلم» و یا روایت «اعلمی» مشهور است.

۳. محمد بن صالح که برای احمد بن عبدالله و او برای علی بن مالک روایت کرد.

روایت «ابن مالک» نامیده می‌شود.

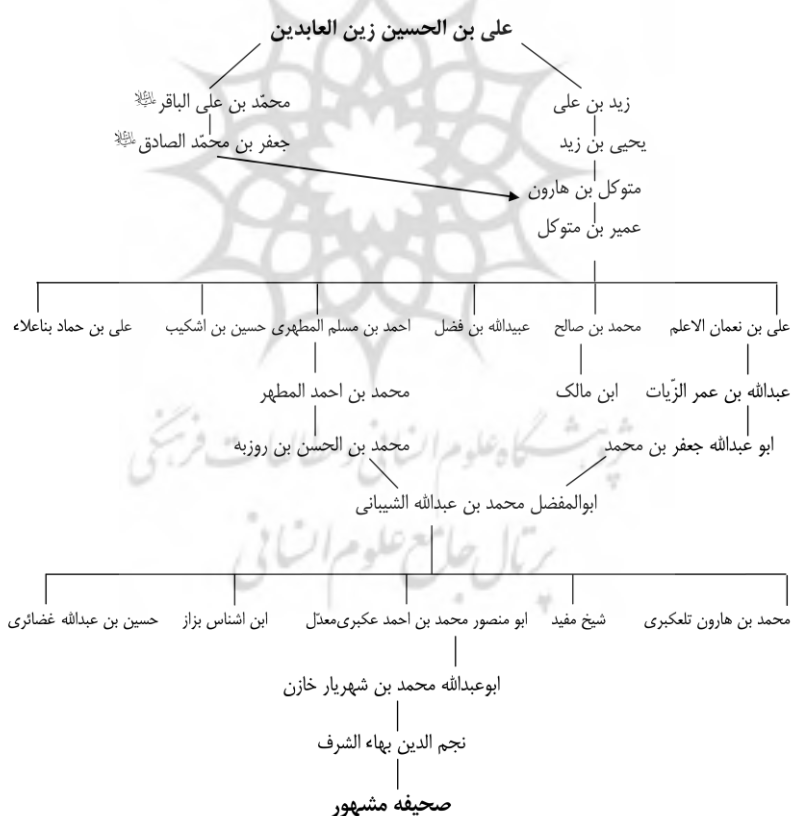
۴. «عبید الله بن فضل»؛ روایت «ابن فضل».

۵. حسین بن اشکیب؛ روایت «ابن اشکیب».

۶. علی بن حماد بن العلاء؛ روایت ابن حماد.

أبوالمفضل محمد بن عبد الله بن عبد المطلب شیبانی (متولد ۲۹۷)،<sup>۱۳</sup> با فراهم آوردن روایت اعلمی و روایت مطهری، صحیفه سجاده‌ای را پدید آورد که با استقبال عالمان رو به روشد و تا کنون شرح‌ها و ترجمه‌های گوناگونی برای آن نوشته شده است. مراد ما در این نوشتار از صحیفه مشهوره یا صحیفه کامله سجاده‌ای، صحیفه‌ای است که شیبانی فراهم آورده است. راویانی که از ابوالمفضل محمد بن عبد الله شیبانی، صحیفه را روایت کردند، عبارت‌اند از: شیخ مفید، محمد بن هارون تلعبکری، محمد عکبری، ابن اشناس بزاز و حسین بن عبید اله غضایری.

در اینجا نموداری از راویان صحیفه مشهور را ارائه می‌دهیم و سپس وثاقت برخی از راویان را بررسی می‌نماییم.



۱۳. الفهرست (طوسی)، ص ۴۰۱، ش ۶۱۱؛ رجال ابن الغضائری، ص ۹۸-۹۹؛ رجال ابن داود، ص ۵۰۶، ش ۴۴۸.

### بررسی رجالی صحیفه مشهور

خبر، به دو دسته متواتر و واحد تقسیم می‌شود. راه ارزشیابی خبر واحد، بررسی تک تک راویان است. اگر همه راویان شرایط صحت را داشته باشند، خبر صحیح<sup>۱۴</sup> نامیده می‌شود و چنانچه حتی یکی از راویان شرایط صحت حدیث را به دست نیاورد، حدیث را نمی‌توان صحیح خواند. در این صورت، بنا بر شرایط جدید، حدیث به یکی از سه دسته حسن<sup>۱۵</sup>، موثق<sup>۱۶</sup> و یا ضعیف<sup>۱۷</sup> تبدیل خواهد شد.

در باره سند صحیفه سجّادیه دو نظریه وجود دارد: متواتر و خبر واحد.

### بررسی تواتر سند صحیفه سجّادیه

اهتمام عالمان دینی به نقل صحیفه سجّادیه و فراگیری صحیفه سبب شد تا برخی دانشمندان اسناد صحیفه را متواتر بدانند. علامه محمد تقی مجلسی، اسانید صحیفه را ۵۶۱۰۰ سند<sup>۱۸</sup> شمرده است.<sup>۱۹</sup> بدیهی است که مراد ایشان از اسناد، مجموعه اجازاتی است که عالمان برای روایت کردن صحیفه سجّادیه به شاگردان خود در طول قرون متمادی داده‌اند. این گونه سندها در تمام طبقات یکسان نیستند. در برخی طبقات، راویان بسیاری حدیث را نقل می‌کنند؛ حال آن که در برخی طبقات دیگر تنها یک راوی آن را نقل کرده است. میر داماد، دیگر عالم نامدار دوران صفوی، سند صحیفه را متواتر خوانده است.<sup>۲۰</sup>

### نقد

متواتر به خبری گویند که تعداد راویان آن در هر طبقه به اندازه‌ای برسد که احتمال هم داستانی آنان برکذب عادتاً محال باشد. در باره سند صحیفه سجّادیه دست کم در دو

۱۴. صحیح: حدیث متصل سنده الی المعصوم بنقل العدل الامامی عن مثله فی جمیع الطبقات (الرعاية فی علم الدرّایة، ص ۶۶).

۱۵. حسن: حدیث ما اتصل سنده الی المعصوم علیه السلام یامامی ممدوح، مدحاً مقبولاً معتمداً به، غیر معارض بدم من غیر نص علی عدالته (دراسات فی علم الدرّایة تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۲۸).

۱۶. موثق: ما اتصل سنده الی المعصوم بمن نص الأوصحاب علی توثیقه مع فساد عقیده (همان، ص ۳۰).

۱۷. ضعیف: و هو ما لم یجتمع فیه شروط أحد الأقسام السابقة (همان، ص ۳۲).

۱۸. منظور، اشخاص متعدد ذکر شده در اجازات است. وقتی فردی در سلسله اسناد متفاوت از اسناد دیگر می‌شود، آن را یک سند جدید به شمار می‌آورند.

۱۹. بحار الانوار، ج ۱۱۰، ص ۶۱.

۲۰. شرح الصحیفه، ص ۴۵.

طبقه متوکل بن هارون و عمیر بن متوکل در تمامی روایات پنج‌گانه پیشین چنین اتفافی نیفتاده است. بنا بر این، سند صحیفه را باید مفرد نامید. حال اگر سند «زبیدی» در *تحاف السادة المتقين* و طریق زبیدی را - که از امیر ماجد حسینی دشتکی نقل شده است - هم بپذیریم، سند صحیفه، با اندکی تسامح، مستفیض خواهد بود. حقیقت، آن است که تاکنون نسخه‌ای از امیر ماجد دشتکی و زبیدی یافت نشده است. بنا بر این، ادعای استفاضه، دست کم برای همه ادعیه صحیفه، دشوار خواهد بود.

### بررسی صحت سند صحیفه سجّادیه

وقتی ادعای تواتر در سند صحیفه سجّادیه پذیرفته نشود، باید خبر واحد بودن آن بررسی شود و درباره تک تک راویان تحقیق شود. سند ابتدای صحیفه مشهوره چنین است:

حَدَّثَنَا (۱) السَّيِّدُ الْأَجَلُّ، نَجْمُ الدِّينِ، بَهَاءُ الشَّرَفِ، أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ (۲)، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِبَارٍ (۳)، الْحَازِنُ لِحِزَانَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَأَنَا أَسْمَعُ. قَالَ: سَمِعْتُهَا عَنِ الشَّيْخِ الصَّدُوقِ، أَبِي مَنْصُورٍ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعُكْبَرِيِّ الْمُعَدَّلِ (۴) - رَحِمَهُ اللَّهُ -، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُظَلِّبِ الشَّيْبَانِيِّ (۵)، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - (۶)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ حَطَّابِ الزَّيَّاتِ (۷) سَنَةَ خَمْسِ وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي خَالِي عَلِيُّ بْنُ التَّعْمَانِ الْأَعْلَمُ (۸)، قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَيْرُ بْنُ مُتَوَكَّلِ الثَّقَفِيِّ الْبَلْخِيُّ (۹)، عَنْ أَبِيهِ مُتَوَكَّلِ بْنِ هَارُونَ (۱۰).

در این سلسله سند، ۱۰ راوی نام برده شده است و در آخر هم متوکل از یحیی بن زید و امام صادق - علیه السلام - صحیفه سجّادیه را روایت کرده است. بنا بر این، به بررسی رجالی یازده راوی موجود در سند می پردازیم:

(۱) حدثنا: دو نفر را به عنوان گوینده حدثنا، نام برده اند: ابن سکون حلّی،<sup>۲۱</sup> شاعر و ادیب قرن ششم<sup>۲۲</sup> (م ۶۰۶ ق). شیخ حرّ عاملی او را فاضل، صالح، شاعر و ادیب معرفی

۲۱. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۰۹؛ الدرر ج ۱۵، ص ۸.

۲۲. سیوطی نام ابن سکون را آورده و او را بسیار مدح کرده است (رک: بغیة الوعاة: ج ۲، ص ۱۹۹، ش ۱۷۸۴؛ خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۵۲).

کرده است.<sup>۲۳</sup>

شیخ بهایی بر این باور بود که گوینده حدّثنا ابن سکون است.<sup>۲۴</sup> و دیگری، عمید الرؤساء (م ۶۱۰ق)<sup>۲۵</sup> هبة الله بن حامد، لغوی<sup>۲۶</sup> مشهور است. او را فاضل، جلیل، دارای کتاب،<sup>۲۷</sup> محقق، بارع، ضابط،<sup>۲۸</sup> ادیب و از بزرگان اصحاب دانسته‌اند.<sup>۲۹</sup> میر داماد<sup>۳۰</sup> و علی خان مدنی شیرازی،<sup>۳۱</sup> گوینده حدّثنا را عمید الرؤساء دانسته‌اند. با توجه به هم طبقه بودن ابن سکون و عمید الرؤساء، هر دو نفر را می‌توان به عنوان گوینده حدّثنا، به شمار آورد؛ چنان که از برخی اجازه‌نامه‌ها برمی‌آید.<sup>۳۲</sup> به هر حال، گوینده حدّثنا، هر یک از ایشان باشد، به اعتبار سند زیان نمی‌رساند؛ زیرا هر دو بزرگوار مدح شده‌اند.

(۲) بهاء الشرف: سید أجلّ نجم الدین أبو الحسن محمد بن الحسن بن أحمد بن علی بن محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی.

نخستین اسم ظاهری که در سند صحیفه بررسی می‌شود، بهاء الشرف از شخصیت‌های قرن ششم است. وی از نوادگان امام سجاد - علیه السلام - بود. جدّ اعلای وی «حسین، ذوالدمعة»، تربیت شده امام صادق - علیه السلام - بود<sup>۳۳</sup> و نزد ایشان جایگاه خاصی داشت. افزون بر ابن سکون و عمید الرؤساء، یازده تن از عالمان صحیفه را از بهاء الشرف نقل کرده‌اند که شاید در اعتماد افزایی به بهاء الشرف مؤثر باشد.<sup>۳۴</sup>

۲۳. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۰۳، ش ۶۱۵.

۲۴. ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۱، ص ۵۳.

۲۵. الذریعه، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲۶. همان، ج ۱۸، ص ۸۵؛ معجم المؤلّفين، ج ۱۳، ص ۱۳۶.

۲۷. أمل الآمل، ص ۳۴۲، ش ۱۰۵۳.

۲۸. در اجازه شهید ثانی به پدر شیخ بهایی: الشیخ الإمام المحقق الضابط البارع (بحار الانوار، ج ۱۰۸، ص ۱۵۸).

۲۹. أمل الآمل، ص ۳۴۲، ش ۱۰۵۳.

۳۰. شرح الصحیفه، ص ۴۵.

۳۱. ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۱، ص ۵۳.

۳۲. بحار الانوار، ج ۱۱۰، ص ۱۶۲ و ص ۲۱۲، صورة اجازة كبيرة؛ نیز ر. ک: ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۰۹.

۳۳. عمدة الطالب، ص ۲۶۱.

۳۴. کامل‌ترین فهرست راویان چنین است: ۱. محمد بن جعفر مشهدی، مؤلف المتزار الكبير (تولد: حدود ۵۱۰)،

۲. جعفر بن علی بن جعفر مشهدی، ۳. هبة الله بن نما، ۴. جعفر بن ابی الفضل محمد بن محمد بن شعرة،

۵. ابو القاسم بن الزکی العلوی، ۶. ضیاء الدین ابو الفتح محمد بن محمد الحائری (ابن الجعفریة)، ۷. سالم بن

قبادویه (قبادویه)، ۸. عربی بن مسافر العبادی الحلّی، ۹. ابو طالب، حمزة بن محمد بن احمد بن شهریار الخازن،

۱۰. محمد بن ادریس الحلّی، ۱۱. نظام الشرف ابو الحسن بن العریض (الصحیفه السجادية الجامعة، ص ۶۱۳-۶۱۵؛

خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۵۱). محدث نوری نام محمد بن جعفر مشهدی را نیابوده است؛ در حالی که ایشان هم

(۳) محمد بن احمد بن شهریار (زنده در ۵۱۶ق)؛ ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار، فقیه و کتاب‌شناس قرن ششم هجری، از شاگردان شیخ طوسی و داماد وی بود. شیخ طوسی در زمان خود، مسؤولیت کتابخانه را به خاندان علمی آل شهریار سپرد و تا پایان قرن ششم، آل شهریار، متصدی امور کتابخانه بودند.<sup>۳۵</sup> بهاء اشرف در سال ۵۱۶ق، صحیفه را از او شنیده است. در سلسله احادیث، از او با عنوان امین و خازن<sup>۳۶</sup> یاد شده است که بیان‌گر امانت‌داری و کتاب‌شناسی وی است. فهرست‌نگار خبیر، منتجب الدین، از او با عنوان فقیه صالح یاد کرده است.<sup>۳۷</sup>

(۴) ابو منصور محمد بن احمد بن عبد‌العزیز عکبری معدل (م ۴۷۲ق)؛ ابو منصور معدل، از شاگردان سید مرتضی<sup>۳۸</sup> و از مشایخ خطیب بغدادی بود.<sup>۳۹</sup> ابن اثیر<sup>۴۰</sup> و خطیب بغدادی او را صدوق معرفی کرده‌اند.

لقب معدل بیان‌گر جایگاه اجتماعی و ویژگی شخصیتی اوست؛ زیرا معدل به کسی می‌گفتند که نزد همگان به عدالت وصف می‌شده است و قاضی شهر و یا خلیفه هرگاه عدالت شهود برایشان محرز نمی‌شد، به گفته معدل مبنی بر عدالت شهود، اعتماد می‌کردند.<sup>۴۱</sup>

(۵) ابوالمفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشیبانی (۲۹۷-۳۸۷ق)؛ کوفی الاصل بود و سراسر عمرش را در سفرهای حدیثی گذراند<sup>۴۲</sup> و از مشایخ زیادی حدیث شنید. اساتید زیاد وی سبب شد تا ابو الفرج قنانی، از استادان نجاشی، کتاب معجم الرجال ابي المفضل را در باره استادان او نگاشت.

کتاب‌های فراوانی را برای شیبانی نام برده‌اند؛ از آن جمله کتاب‌های المزار، فرائض، الولادات الطیبة،<sup>۴۳</sup> مزار امیر المؤمنین، مزار الحسین، کتاب الدعاء، کتاب من روی حدیث

مستقیماً از بهاء الشرف روایت شنیده است (رک: بحار الانوار، ج ۱۰۹، ص ۴۷).

۳۵. ریاض العلماء، ج ۶، ص ۲۲.

۳۶. المزار، ص ۱۳۶؛ التحصین، ص ۵۹۵.

۳۷. فهرست، منتجب الدین، ص ۱۱۲، ش ۴۲۰.

۳۸. خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۴۹۰.

۳۹. تاریخ بغداد/ او مدینه السلام، ج ۳، ص ۲۳۹. خطیب، تاریخ تولد او را ۴۸۲ق، ذکر کرده است که به نظر می‌رسد تصحیف باشد و تاریخ تولد وی ۳۸۴ق، است و تاریخ وفات ۴۷۲ق.

۴۰. الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۱۱۷.

۴۱. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۱۸؛ معجم مصطلحات الرجال والدرایة، ص ۱۶۵.

۴۲. رجال النجاشی، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۴۳. فهرست الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۶۱۱.



غدیر خم، کتاب من روی عن زید بن علی بن الحسین، کتاب فضائل زید، کتاب الشافی فی علوم الزیدیة، کتاب اخبار اَبی حنیفة و کتاب القلم.<sup>۴۴</sup>  
 او را با عباراتی نظیر «حسن الحفظ»،<sup>۴۵</sup> «کثیر الروایة»<sup>۴۶</sup> و «سافر فی طلب الحدیث عمره»<sup>۴۷</sup> ستوده اند. عبارات تضعیف وی نیز کم نیست تا آن جا که به «وضع حدیث» هم متهم شد.<sup>۴۹</sup> البته عبارات ظاهراً متضاد رجالیان را می توان جمع بندی کرد. ابی المفضل هم چنان که نجاشی نوشته است، در ابتدا «ثابت» بود و سپس گرفتار «خلط» شد:  
 کان فی أول أمره ثبتاً ثم خلط.<sup>۵۰</sup>

«خلط» به معنای «درهم ریختگی» است و عنوان فراگیری است که بر «درهم آمیختن اعتقاد صحیح و فاسد»، «درهم ریختن روایات منکر و معروف»، «درهم آمیختن اسناد با یکدیگر» و «درهم بودن مطالب صحیح با غیر صحیح» دلالت می کند.<sup>۵۱</sup> ظاهراً در این جا مراد خلط مذهبی ابی المفضل است؛ زیرا آثاری مانند: الشافی فی علوم الزیدیة، کتاب فضائل زید، کتاب من روی عن زید بن علی بن الحسین و کتاب اخبار اَبی حنیفة را نگاشته است.

نکته دیگر در باره ابو المفضل، عبارتی است که نجاشی در باره وی نوشته است:  
 رأیت هذا الشیخ و سمعت منه کثیراً، ثم توقفت عن الروایة عنه إلا بواسطة بینی و بینة.<sup>۵۲</sup>

از عبارت نجاشی برمی آید که او احادیث زیادی از ابی المفضل شنیده است، ولی بدون واسطه از او حدیث نقل نمی کند. شاید دلیل این امر، احتیاط شدید نجاشی در رعایت فرایند تحدیث و اصول طبقات بوده باشد؛ زیرا وی در چهارده یا پانزده سالگی با ابی المفضل ملاقات کرده است و ملاقات در این سنین برای «سماع» مفید

۴۴ رجال النجاشی، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۴۵ فهرست الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۶۱۱.

۴۶ همان جا.

۴۷ رجال النجاشی، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۴۸ همان جا؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۷، ش ۶۳۶۰.

۴۹ رجال ابن الغضائری، ص ۹۸.

۵۰ رجال النجاشی، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۵۱ معجم مصطلحات الرجال و الدراریة، ص ۱۵۱.

۵۲ رجال النجاشی، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

نیست.<sup>۵۳</sup> از این روی، بدون واسطه از ابی المفضل روایت نقل نکرده است تا به تدلیس متهم نشود.

به هر حال، برای ابوالمفضل توثیق صریحی نداریم، ولی نمی توان به کتاب های او هم بی اعتماد بود. اعتماد بزرگان به کتاب های ابی المفضل نشان دهنده تفکیک میان شخصیت رجالی و شخصیت فهرستی اوست.

شیخ طوسی در *الفهرست* بارها می نویسد: «بالاسناد الاول» یا «بهذا الاسناد» در بیشتر این موارد، نام ابی المفضل در مشایخ با واسطه شیخ طوسی قرار دارد.<sup>۵۴</sup> طریق شیخ را به او صحیح دانسته اند.<sup>۵۵</sup>

نمونه دیگر از اعتماد بزرگان به ابی المفضل شیبانی، اعتماد به صحیفه سجاده ای است که او روایت کرده است. شیخ مفید، محمد بن هارون تلکبری، أبو منصور معدل، ابن اشناس بزاز و حسین بن عبید الله غضایری از عالمان شناخته شده ای هستند که همگی از ابی المفضل روایت کرده اند. بی تردید، همه عالمان نام برده از نقل کردن روایت در ایام «خلط» راوی پرهیز می کرده اند.

قرینه دیگری برای پذیرش روایت ابی المفضل، تخصص او در نقل ادعیه و زیارات است؛ چنان که از آثار او برمی آید.<sup>۵۶</sup> برای نمونه، دعای روز مباحله را تنها سید بن طاووس نقل کرده است که با اسناد صحیح و روایات صریح از کتاب *المباحله* شیبانی آورده است.<sup>۵۷</sup>

(۶) ابو عبدالله جعفر بن محمد الحسنی (م ۳۰۸ ق)؛ شریف ابو عبدالله جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن امیر المؤمنین علیه السلام. او از بزرگان اصحاب امامیه و چهره سرشناس آل ابوطالب در زمان خود بود. او را ثقه دانسته اند که عمری طولانی داشت و احادیث بسیاری شنید و عالی السند است.<sup>۵۸</sup>

جعفر بن محمد در میان سنیان نیز ستوده شده است و او را «فاضل»، «ورع» و «عاقل» معرفی کرده اند که احادیث بسیاری شنید و همنشین دائمی مسجد و

۵۳. رک: *الذریعه*، ج ۱، ص ۳۱۵.

۵۴. رک: همان.

۵۵. *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

۵۶. *مزار امیر المؤمنین، مزار الحسنین و کتاب الدعاء*.

۵۷. *الاقبال بالاعمال الحسنه فیما يعمل مرة فی السنة*، ج ۲، ص ۳۱۰.

۵۸. *کان ثقة فی اصحابنا سمع و اکثر و عمر و علا اسناده (رجال النجاشی)*، ج ۱، ص ۱۲۲، ش ۳۱۴.

قرآن بود. ۵۹

(۷) عبد الله بن عمر بن خطاب الزيات؛ درباره عبد الله بن عمر بن خطاب زيات، اطلاعات رجالی در دست نیست. تنها از سند صحیفه برمی آید که وی در سال ۲۶۵ ق، صحیفه سجّادیه را برای جعفر بن محمد حسنی روایت کرده است و خود صحیفه سجّادیه را از دایی اش علی بن نعمان شنیده است.<sup>۶۰</sup>

او در سال ۲۵۵ ق، حدیث مفصّلی را از حارث بن محمد تمیمی با سند متصل از عایشه نقل می کند که جبرئیل، خبر شهادت امام حسین - علیه السلام - را به پیامبر - صلی الله علیه و آله - داده است.<sup>۶۱</sup> سیّد بن طاووس هم به هنگام نقل دعای عصر روز جمعه<sup>۶۲</sup> روایتی را می آورد که در سلسله سند آن عبد الله بن عمر بن خطاب، از دایی اش علی بن نعمان روایت کرده است.

(۸) علی بن نعمان الاعلم؛ ابو الحسن علی بن نعمان اعلمی کوفی و از راویان امام رضا - علیه السلام - و دارای کتاب است.<sup>۶۳</sup> او را با الفاظ ثقة، وجه، ثبت و صحیح و واضح الطریقه ستوده اند.<sup>۶۴</sup>

(۹) عمیر بن متوکل؛ درباره عمیر بن متوکل و پدرش متوکل بن هارون، توثیق صریحی نرسیده است. چگونگی گزارش شیخ نجاشی و شیخ طوسی از او باعث پدید آمدن نظریه هایی شده است. ما در این جا عبارت نجاشی و شیخ طوسی را می آوریم و سپس تحلیل برگزیده را ارائه می دهیم.

نجاشی در رجال النجاشی می نویسد:

متوکل بن عمیر بن المتوکل روی عن یحیی بن زید دعاء الصحیفة. أخبرنا الحسين بن عبيد الله عن ابن أخي طاهر، عن محمد بن مطهر، عن أبيه، عن عمير بن المتوكل، عن أبيه المتوكل، عن یحیی بن زید بالدعاء.<sup>۶۵</sup>

شیخ طوسی در الفهرست می نویسد:

۵۹. الصحیفة السجادية الجامعة، ص ۶۱۷، به نقل از: مرة الزمان سبط ابن جوزی.

۶۰. الصحیفة السجادية، ص ۳.

۶۱. كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر، ص ۱۸۷.

۶۲. جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع، ص ۲۶۲.

۶۳. رجال النجاشی، ص ۲۷۴، ش ۷۱۹، الفهرست (طوسی)، ص ۲۸۲، ش ۴۱۶.

۶۴. رجال النجاشی، ص ۲۷۴، ش ۷۱۹.

۶۵. همان، ج ۱، ص ۴۲۶، ش ۱۱۴۴.

المتوکل بن عمیر بن المتوکل روی عن یحیی بن زید بن علی - علیه السلام - دعاء الصحیفة. أخبرنا جماعة عن التلعکبری، عن أبی محمد (الحسن يعرف ب) ابن أخی طاهر، عن محمد بن مطهر، عن أبیه، عن عمیر بن المتوکل، عن أبیه، عن یحیی بن زید. وأخبرنا ابن عبدون، عن أبی بکر الدوری، عن ابن أخی طاهر أبی محمد، عن محمد بن مطهر.<sup>۶۶</sup>

آنچه در اسناد صحیفة سجّادیه آمده است، عمیر بن متوکل، از پدرش متوکل بن هارون، از یحیی بن زید، صحیفة را روایت می‌کند؛ ولی بنا بر گزارش نجاشی و طوسی، راوی صحیفة از یحیی بن زید، متوکل بن عمیر بن متوکل است.

تفاوت ابتدایی و ظاهری میان آغاز عبارات نجاشی و شیخ طوسی با انتهای عبارات آنان از دید پژوهشگران پنهان نمانده است. از این روی، چندین راه حل ارائه کرده‌اند.<sup>۶۷</sup> آنچه از میان راه حل‌های ارائه شده پسندیده‌تر است، جای‌گزینی نام جدّ به جای نام پدر است که در گذشته مرسوم بوده است. در نتیجه، سند کامل متوکل بن عمیر بن متوکل، عن یحیی بن زید را باید چنین بازسازی کرد: «متوکل بن عمیر بن متوکل بن عمیر بن متوکل بن هارون». در حقیقت نام پدر هارون - که پدر متوکل بوده است - حذف شده است و متوکل به اسم جدّ آمده است و از سویی، متوکل بن هارون بن عمیر بن المتوکل، فرزندی به نام عمیر دارد. اکنون می‌توان سند را چنین بازسازی کرد: «عمیر بن متوکل، عن متوکل بن عمیر بن متوکل بن هارون».

(۱۰) متوکل بن هارون؛ در باره متوکل بن هارون، تنها می‌دانیم که او صحیفة سجّادیه را از یحیی بن زید نقل کرده است و دیدار او با امام صادق - علیه السلام - در همین سند آمده است، اما در کتاب‌های رجالی نامی از وی در زمره شاگردان امام صادق - علیه السلام - نیامده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
برخی از پژوهشگران، برای باورند که متوکل لقب عمر بن هارون است و عمر بن هارون از شاگردان امام صادق - علیه السلام - است.<sup>۶۸ و ۶۹</sup> این تصحیف را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا عون بن جریر از عمر بن هارون روایت می‌کند،

۶۶. الفهرست (طوسی)، ص ۴۷۷، ش ۷۶۹.

۶۷. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۱۸؛ معجم الرجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۱۷۷، ش ۹۸۴۶؛ قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۶۳، ش ۵۷۱۶؛ دراسة حول الصحیفة، ص ۱۷۷.

۶۸. در چاپ‌های قدیمی نجاشی «متوکل بن عمر بن متوکل»، به جای «متوکل بن عمیر بن متوکل» آمده بود. شاید منشأ این نظریه اعتماد به همان چاپ غیر مصحح باشد.

۶۹. دراسة حول الصحیفة، ص ۱۳۸.

در حالی که در سند صحیفه از متوکل، فرزندش عمیر روایت می‌کند.<sup>۷۰</sup> و از سوی دیگر، تصحیف به اعراف و اشهر امکان دارد و نام عمر مشهورتر و معروف‌تر از لقب متوکل و یا عمیر است. بنا بر این، امکان دارد که متوکل و یا عمیر به عمر تبدیل شود، ولی اثبات عکس آن نیازمند دلایل فراوانی است.

(۱۱) یحیی بن زید؛ یحیی بن زید، فرزند زید بن علی - علیه السلام - پس از شهادت پدر قیام کرد و در سال ۱۲۵ق، در سنّ هیجده سالگی<sup>۷۱</sup> به شهادت رسید.<sup>۷۲</sup> یحیی را از روایان امام صادق<sup>۷۳</sup> و امام کاظم<sup>۷۴</sup> - علیهما السلام - بر شمرده‌اند. رجالیان او را به صراحت توثیق نکرده‌اند، اما در بخش اول رجال ابن داود نام وی آمده است.<sup>۷۵</sup> از این روی، مدح اجمالی وی فهمیده می‌شود؛ هر چند برخی بزرگان معتقد بودند که وی از امام صادق - علیه السلام - تبعیت نکرد.<sup>۷۶</sup>

در جدول زیر خلاصه‌ای از اوصاف اشخاص ذکر شده در سند صحیفه کامله سجادیه را ملاحظه می‌کنید:

وصف کننده	وصف	راوی	
شیخ حر عاملی	فاضل، صالح	ابن سکون حلی	۱
شهید ثانی	فاضل، جلیل، محقق، باع، ضابط	عمید الرؤساء	۲
-----	نام وی در کتاب‌های رجالی نیست	بهاء الشرف	۳
مشهدی المزار	امین، خازن	محمد بن احمد بن شهریار	۴
منتجب الدین	فقیه صالح		
ابن اثیر، خطیب بغدادی	صدوق	محمد بن احمد عکبری معدل	۵
شیخ طوسی	حسن الحفظ، کثیر الروایة	ابو المفضل شیبانی	۶
شیخ نجاشی	سافر فی طلب الحدیث عمره		
شیخ نجاشی	کان فی اول امره ثبتاً ثم خلط		
ابن غضائری	وضع حدیث		

۷۰. البته مانعی نیست که روایان متعددی از یک شخص روایت کنند، ولی برای ارائه نظریه جدید باید قراین مختلف، از جمله اشتراک راوی و مشایخ در نظر گرفته شود.

۷۱. زرکلی، تولد او را در سال ۹۸ دانسته است که در آن صورت، سنّ یحیی در هنگام شهادت، ۲۷ سال بوده است (الإعلام، ج ۸، ص ۱۴۶).

۷۲. عمدة الطالب، ص ۲۶۰؛ برای آگاهی بیشتر رک: یحیی بن زید.

۷۳. رجال الطوسی، ص ۳۴۶، ش ۵۱۶۹.

۷۴. همان، ص ۳۲۰، ش ۴۷۸۴.

۷۵. رجال ابن داود، ص ۳۷۴، ش ۱۶۷۱.

۷۶. معجم الرجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۵۰، ش ۱۳۵۰۱.

وصف کننده	وصف	راوی	
شیخ نجاشی	ثقة، كثير الرواية، عالي السند	جعفر بن محمد الحسنی	۷
.....	نام وی در کتاب های رجالی نیست	عبدالله بن عمر بن خطاب الزیات	۸
شیخ نجاشی	ثقة، وجه، ثبت، صحيح، واضح الطريقة	علی بن نعمان الاعلم	۹
شیخ طوسی و شیخ نجاشی	آمدن نام بدون وصف	عمیر بن متوکل	۱۰
.....	نام وی در کتاب های رجالی نیست	متوکل بن هارون	۱۱
شیخ طوسی	راوی امام صادق و امام کاظم بدون وصف	یحیی بن زید	۱۲

### جمع بندی بررسی رجالی صحیفه سجّادیه

در ارزیابی رجالی، تمام شرایطی که در توثیق و یا عدم توثیق راوی نقش دارد، بررسی می شود. در ارزیابی رجالی معمولاً راوی انتقال دهنده میراث شفاهی است و از آنجا که سند صحیفه سجّادیه، خبر واحد است، نیازمند بررسی تک تک راویان هستیم و بنا بر ارزیابی رجالی - همان گونه که در جدول فوق گذشت - نتایج زیر به دست آمد:

۱. سند تمامی روایات صحیفه به عمیر بن متوکل می رسد.<sup>۷۷</sup>
۲. ابن سکون حلی، عمید الرؤساء، محمد بن احمد بن شهریار، محمد بن احمد بن عکبری معدل، جعفر بن محمد الحسنی و علی بن نعمان الاعلم توثیق شده اند.
۳. نام متوکل بن هارون و عبدالله بن عمر بن خطاب زیات در کتب رجالی نیامده است و در اصطلاح «مهمل»<sup>۷۸</sup> است. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۴. نام یحیی بن زید و عمیر بن متوکل در کتاب های رجالی و فهرست بدون توصیف آمده است و در اصطلاح «مجهول»<sup>۷۹</sup> است. تاریخ و باستان‌شناسی
۵. ابوالفضل شیبانی دارای چندین مدح و نیز برخی وی را تضعیف و او را متهم به «وضع» کرده اند.

از مجموعه آنچه گذشت، سند صحیفه سجّادیه از دیدگاه رجالی ضعیف است.

۷۷. مگر آن که نسخه ای از روایت محمد بن زید و امیر ماجد دشتکی یافت شود.

۷۸. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۹۷.

۷۹. همان.

## ارزیابی فهرستی

آنچه در صحیفه سجاده مهم است، بررسی صحت انتقال میراث مکتوب است. ارزیابی فهرستی یعنی بررسی طریقی که راویان به کتاب دسترسی داشته‌اند و نقل همان کتاب را به راوی پس از خود اجازه داده‌اند. لازم به یادآوری است که فهرست، نزد محدثان شیعی مکمل کتاب‌های رجالی بوده است. فهرست نگار تنها به گزارش کتاب‌ها بسنده نمی‌کرد بلکه بیان حجیت کتاب و نسخه‌های آن را هم بیان می‌کرد.<sup>۸۰</sup> ارزش بررسی فهرستی، اطمینان به کتابی است که راوی نام آن را ذکر کرده است. در طریق فهرستی چگونگی انتقال کتاب به راوی پس از خود بررسی می‌شود. امتیاز این شیوه، آشکار شدن مقبولیت و یا مطرودیت کتاب در نزد مکتب‌ها و مذهب‌های گوناگون است. از سوی دیگر جایگاه علمی شاگرد و کتاب نیز آشکار می‌شود، زیرا استاد پس از اطمینان از دانش و امانت‌داری شاگردش اجازه می‌داد تا وی مطالب کتابش را نقل کند. ارزش کتاب نیز در طریق فهرستی به دست می‌آید. وجود نام کتاب در فهرستگان کهن و تکرار آن در سلسله اجازات روایی بیانگر اهمیت کتاب است. از سوی دیگر مبنای رجالی مهمی وجود دارد که در طرق به کتب، نیاز به بررسی سندی نیست.<sup>۸۱</sup> بنا بر این دست‌یابی به طریق فهرستی امکان اعتماد به محتوای کتاب را فراهم می‌آورد. برای نمونه کتاب کافی در مدرسه حدیثی قم و مدرسه حدیثی بغداد پذیرفته و در سلسله اجازات روایی فراوانی نام برده شده است. از همین روی اهمیت کتاب کافی با دیگر کتب حدیثی قابل مقایسه نیست. اما کتاب‌های احمد بن محمد بن خالد برقی، در مدرسه حدیثی قم طرد شده است و در طرق روایی نیز پرتو تکرار نیست و از همین روی جایگاهی فروتر دارد. در باره صحیفه سجاده نیز با نگاه فهرستی می‌توان سیر روایت‌های گوناگون از صحیفه را به دست آورد. اگر چه نمی‌توان از روایت‌های گوناگون صحیفه سجاده، تواتر آن را به دست آورد ولی فراهم آوردن قرینه‌ها در اعتماد افزایی به متن صحیفه کامله سجاده مدد می‌رساند.

## اعتماد افزایی به متن صحیفه سجاده کامله در پرتو قرینه‌ها

افزایش اعتماد به صحیفه سجاده از طریق افزایش طریق به تمام دعاهای صحیفه

۸۰ «نگره‌های کتابشناختی در فهرست‌های نجاشی و طوسی»، ص ۱۸۰.

۸۱ «منابع نعمانی در غیبت»، ص ۳۸۲.

سجاده مشهور و یا دست کم به بخشی از دعاهای آن، امکان پذیر است. در این قسمت قرینه‌های زیر راهگشا خواهند بود:

۱. *سندهای متفاوت برای برخی دعاها*: نخستین قرینه در اعتبارافزایی صحیفه کامله سجاده، وجود برخی دعاهای صحیفه با سندی متفاوت در کتاب‌های کهن است. اگر چه گزارش یک دعا از صحیفه به معنای در اختیار داشتن تمامی صحیفه سجاده نیست، ولی دست کم در خصوص دعاهایی که در منابع دیگر آمده است، به گونه تحویل سند می‌تواند اثر گذار باشد؛ برای نمونه، دعای ۴۹ صحیفه سجاده را شیخ مفید در کتاب *الامالی*<sup>۸۲</sup> طوسی در کتاب *الامالی*<sup>۸۳</sup> و سید بن طاوس در کتاب *مهج الدعوات*<sup>۸۴</sup> با سندی آورده‌اند که در هیچ یک از اسناد شناخته شده صحیفه وجود ندارد. سند مفید چنین است:

احمد بن محمد بن الحسن بن الولید، از پدرش و او از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از هارون بن مسلم، از مسعدة بن صدقه، از امام صادق علیه السلام.<sup>۸۵</sup>

در این سند، مسعدة بن صدقه از امام صادق - علیه السلام - دعایی برای پیش آمدهای مهم، درخواست کرد. امام صادق - علیه السلام - نگاشته‌ای کهن (صحیفه عتیقه) در اختیار او نهاد و به او فرمود که این را استنساخ کن که از آن جد من علی بن الحسین - علیهما السلام - است.

از بررسی این سند به دست می‌آید که دعای ۴۹ صحیفه از طریق مسعدة بن صدقه هم گزارش شده است. آیا می‌توان اطمینان داشت که شیخ مفید و یا ابن ولید به صحیفه سجاده‌ای دسترسی داشته‌اند که از طریق مسعدة بن صدقه در اختیار ایشان بوده است؟ خیر، چنین نیست و این نقل تنها به عنوان قرینه‌ای استوار بر وجود صحیفه و دعای ۴۹ آن به شمار می‌آید.

نمونه دیگر، سند سید مرتضی زبیدی دانشمند قرن یازدهم و نویسنده کتاب‌های *تاج العروس* و *اتحاف السادة المتقين* است. او دعای چهل و هفتم صحیفه را در دعاهای روز

۸۲. *الامالی المفید*، ص ۲۳۹، ح ۳، مجلس ۲۹.

۸۳. *الامالی الطوسی*، ص ۱۵، مجلس ۱.

۸۴. *مهج الدعوات*، ص ۱۵۸.

۸۵. *الامالی المفید*، ص ۲۳۹، ح ۳، مجلس ۲۹.



عرفه با سند متصل از امام سجّاد - علیه السلام - نقل می‌کند. اگر چه برخی از عبارات او برداشت کرده‌اند که تمام صحیفه را در اختیار داشته است،<sup>۸۶</sup> ولی به نظر می‌رسد که طریق اورجالی است. البته نقل همین سند، تأییدی بر وجود صحیفه سجّادیه و اعتبار دعای ۴۷ است. سند زبیدی به فرزندان امام هادی - علیه السلام - می‌رسد و امام هادی - علیه السلام - از پدران بزرگوارش - علیهم السلام -، از امام سجّاد - علیه السلام - نقل کرده است. شاید این نکته قرینه‌ای باشد که صحیفه سجّادیه به عنوان میراثی ارزشمند در خاندان اهل بیت - علیهم السلام - دست به دست شده است.

۲. طریق زبیدی: دومین قرینه‌ای که اعتماد ما را به کتاب صحیفه سجّادیه مشهور افزایش می‌دهد، طریق زبیدی به صحیفه سجّادیه است. در این طریق، صحیفه سجّادیه از طریق محمد بن زید گزارش شده است. متأسفانه تا کنون نسخه‌ای از این صحیفه منتشر نشده است تا دعاهای آن با متن صحیفه کامله سجّادیه تطبیق داده شود، ولی در اجازات روایی سندی متفاوت از سند صحیفه مشهور دارد. امیر ماجد حسینی دشتکی، از مشایخ قرن یازدهم، با سند متصل خود، این صحیفه را برای ملاً محمّد شفیع رشتی (برادر ملاً رفیعا) نقل کرده است. امیر ماجد در اجازه نقل صحیفه به ملاً شفیع می‌نویسد:

صحیفه کامله - که در میان نگاشته‌های اسلامی به انجیل اهل بیت و زبور آل محمّد شناخته شده است - به امام مؤید به عصمت، برفراز آورنده معالم حکم و حکمت، حجّت خدا بر بندگان... علی بن الحسین زین العابدین - علیه السلام - منسوب است... اتصال سند آن به پدیدآورنده اش - که پدیدآورنده فصاحت و مظهر آن است -... چنان مشهور است که ما را از آوردن سلسله سند و اسناد بی‌نیاز می‌کند و از حدّ تواتر افزون است.<sup>۸۷</sup>

و آن‌گاه به خاطر تبرک و شیوه رایج محدثان سند خویش را چنین ذکر می‌کند:

إنی أروها عن والدی السید السند العلامة الثقة الحجة الفهامة الجامع بین الحکمتین جمال الدین محمد بن عبد الحسین الحسینی الدشتکی، عن عمه السید معز الدین محمد بن السید الفاضل المحقق المدقق نظام الدین أحمد صاحب التصنیفات الفائقة و التعلیقات الرائقة، عن أبیه السید نظام الدین أحمد المذكور عن أبیه معز الدین إبراهیم، عن أبیه سلام الله، عن أبیه عماد الدین مسعود، عن أبیه صدر الدین محمد، عن أبیه

۸۶. رک: صحیفه سجّادیه، به روایت حسین بن اشکیب، ص ۲۵.

۸۷. بحار الانوار، ج ۱۱۰، ص ۹۵.

غیاث الدین منصور، عن أبيه صدر الدين محمد، عن أبيه إبراهيم، عن أبيه محمد، عن أبيه إسحاق، عن أبيه علي، عن أبيه عريشاه، عن أبيه أمير أنبه، عن أبيه أميري، عن أبيه الحسن، عن أبيه الحسين، عن أبيه علي، عن أبيه زيد، عن أبيه علي، عن أبيه محمد، عن أبيه علي، عن أبيه جعفر، عن أبيه أحمد، عن أبيه جعفر، عن أبيه محمد، عن أبيه زيد، عن أبيه الإمام علي بن الحسين زين العابدين عليه و علي آباءه التحيّة والسلام.<sup>۸۸</sup>

۳. روایت های شش گانه: قرینه سومی که متن صحیفه مشهور را تقویت می کند، روایت های شش گانه ای است که از عمیر بن متوکل نقل شده است. اگر چه عمیر بن متوکل از منظر رجالی به خاطر عدم وصف رجالیان، مجهول شناخته می شود، ولی شش راوی به نام های: احمد المطهر «مطهری»، علی بن النعمان الاعلم «اعلمی»، محمد بن صالح روایت «ابن مالک»، عبید الله بن فضل «ابن فضل»، حسین بن اشکیب، روایت «ابن اشکیب»، علی بن حماد بن العلاء، روایت ابن حماد صحیفه سجاده را گزارش کرده اند که تنها روایت ابن حماد در دسترس نیست و با مقایسه تطبیقی دعا های صحیفه سجاده کامله با سایر روایات، همگونی دعا های مشترک نمایان است. پراکندگی جغرافیایی هر یک از این راویان بیان گران انتشار صحیفه سجاده در سراسر جهان اسلام بوده است؛ به گونه ای که روایت ابن حماد در اجازات روایی عالمان جبل عامل<sup>۸۹</sup> آمده است. روایت عبید الله بن الفضل در سرزمین مصر بیشتر طرفدار داشته است؛<sup>۹۰</sup> افزون بر آن که عبید الله در طبقه مشایخ بدون واسطه جعفر بن محمد قولویه صاحب کامل الزیارات هم قرار دارد.<sup>۹۱</sup> تلعبری هم در سال ۳۴۱ ق، در مصر از او روایت شنید.<sup>۹۲</sup> حسین بن اشکیب از راویان قمی الاصل و از شاگردان امام هادی<sup>۹۳</sup> و امام حسن عسکری - علیهما السلام -<sup>۹۴</sup> یکی دیگر از روایت گران صحیفه از عمیر بن متوکل است که رجالیان وی را با وصف «ثقة ثقة ثبت» ستوده اند.<sup>۹۵</sup> نام وی در فهرست کهن نجاشی آمده

۸۸. همان، ص ۹۶.

۸۹. همان، ج ۱۰۹، ص ۱۰۵.

۹۰. صحیفه سجاده روایت حسین بن اشکیب، مقدمه سید احمد سجادی، ص ۴۴.

۹۱. کامل الزیارات، ص ۱۳۳، ح ۱۰.

۹۲. رجال الطوسی، ص ۴۳۱، ش ۶۱۸۵.

۹۳. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۴، ش ۸۸؛ رجال الطوسی، ص ۳۸۶، ش ۵۶۸۱.

۹۴. رجال الطوسی، ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۸.

۹۵. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۴، ش ۸۸.

است<sup>۹۶</sup> و کشی هم در رجال خود، احادیثی را از حسین بن اشکیب آورده است؛<sup>۹۷</sup> اما در هیچ کدام از فهرستگان کهن به روایت صحیفه سجادیه ابن اشکیب اشاره نشده است و گویا نخستین کسی که از روایت ابن اشکیب خبر داده است. میرزا عبد الله افندی کتاب شناس قرن دوازدهم است که نسخه ای کهن از صحیفه، به روایت محمد بن وارث از حسین بن اشکیب و به خط ابن مقله را مشاهده کرده است.<sup>۹۸ و ۹۹</sup>

اگرچه روایت ابن اشکیب در میان محدثان و فقها ناشناخته بود و از توجه آنان به این روایت موردی ملاحظه نشد، ولی ارجاعاتی در کلام عالمان وجود دارد که بیانگر استفاده از صحیفه سجادیه به روایت ابن اشکیب است؛ برای نمونه در روایت ابن اشکیب، دعای ۴۴ با عنوان «فی الصلوة علی آدم عليه السلام»<sup>۱۰۰</sup> است که در روایت مشهور نیست. مرحوم مجلسی در ابواب «زیارة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام» به خواندن دعایی که در برخی نسخه های صحیفه سجادیه از امام سجّاد - علیه السلام - روایت شده است، سفارش می کند. او همین دعا را آورده است.<sup>۱۰۱</sup>

نمونه دیگر، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، از دانشوران سنی قرن سیزدهم، گزیده ای از دعاهای صحیفه سجادیه را در کتاب معروفش، *ینابیع المودة لدوی القربی* گزارش کرده است. وی نیز همین دعا را با عنوان دعای صحیفه سجادیه آورده است.<sup>۱۰۲</sup>

روایت ابن مالک - که همان نقل محمد بن صالح از عمیر بن متوکل است - هم بر اتقان اسناد صحیفه افزوده است؛ چرا که صحیفه سجادیه ابن مالک را، ابو علی محمد بن همام (م ۳۳۲ ق) - که از مشایخ جلیل القدر و ثقة و صاحب منزلت بوده - روایت کرده است.<sup>۱۰۳</sup> از آن جا که ابن همام شخصیت سرشناس و حدیث شناس بزرگی بوده است، روایت ابن

۹۶. همان.

۹۷. *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، ج ۱، ص ۲۱ و ص ۴۰ و ص ۱۲۰ و ص ۱۷۱، و ص ۱۹۰ و ص ۳۰۶ و ص ۳۷۰ و ص ۳۷۶.

۹۸. صحیفه سجادیه روایت حسین بن اشکیب، ص ۵۰، به نقل از *الصحیفه الثالثة*، ص ۱۱.

۹۹. برای اطلاع بیشتر رک: *صحیفه سجادیه روایت ابن اشکیب*، که به همت صحیفه پژوه معاصر حجة الاسلام و المسلمین سید احمد سجّادی، مدیر مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان در سال ۱۳۸۳ ش، به چاپ رسید. مقدمه مفصل و تحقیقی در آغاز و تصویر تمامی صفحات نسخه خطی در پایان آمده است.

۱۰۰. صحیفه سجادیه روایت حسین بن اشکیب، ص ۱۸۵، دعای ۴۴.

۱۰۱. *بحار الانوار*، ج ۱۰۰، ص ۲۹۲.

۱۰۲. *ینابیع المودة لدوی القربی*، ج ۳، ص ۴۲۷.

۱۰۳. *رجال الطوسی*، ص ۴۳۴، ش ۶۲۱۰.

مالک را هم ارزشمند می‌کند. اهمیت دیگر روایت ابن مالک، نسخه‌ای قدیمی است که در سال ۴۱۶ق، تحریر شده است و به طریق وجاده در نوسازی‌های آستان قدس در سال ۱۳۴۸ش، یافت و با تصحیح مرحوم شانه چی منتشر شد.<sup>۱۰۴</sup> البته از روایت ابن مالک، تصحیح دیگری هم به وسیله آقای سید جواد حسینی جلالی منتشر شد<sup>۱۰۵</sup> که تاریخ نگارش آن نامعلوم است؛ هر چند محقق کتاب تاریخ نگارش را در زمان شهید ثانی احتمال داده است.<sup>۱۰۶</sup>

درباره روایت علی بن نعمان اعلم پیش از این سخن گفتیم. شخصیت دیگری که شیبانی از روایت وی نام می‌برد و عناوین دعاها را از او نقل می‌کند، احمد بن مسلم مطهری<sup>۱۰۷</sup> است که از عمیر بن متوکل صحیفه را نقل می‌کند. ویژگی روایت ابن مطهر، طریق نجاشی و شیخ طوسی به اوست. نجاشی وقتی از «دعاء الصحیفة» یاد می‌کند، می‌نویسد:

حسین بن عبید الله از ابن اخی طاهر، از محمد بن مطهر، از پدرش، از عمیر بن متوکل، از پدرش متوکل، از یحیی بن زید به این دعا ما را خبر داد.<sup>۱۰۸</sup>

شیخ طوسی هم طریق خود به صحیفه را چنین نوشت:

گروهی از تلعبیری از ابی محمد معروف به ابن اخی طاهر، از محمد بن مطهر، از پدرش، از عمیر بن متوکل، از پدرش، از یحیی بن زید ما را به این دعا آگاه کردند و نیز ابن عبدون از ابی بکر دوری، از ابن اخی طاهر - ابی محمد - از محمد بن مطهر به ما خبر داد.<sup>۱۰۹</sup>

اگرچه شخصیت محمد بن احمد بن مسلم مطهر و پدرش احمد بن مطهر برای ما ناشناخته است، ولی نجاشی از یک طریق و شیخ طوسی از دو طریق به صحیفه سجادیه او دسترسی داشته‌اند. افزون بر ایشان، از گفته خزاز قمی، دانشمند قرن چهارم، برمی‌آید که

۱۰۴. الصحیفة السجادیة، تحقیق: کاظم مدیر شانه چی، ص ۳۸؛ «صحیفه سجادیه به روایت ابن مالک»، ص ۷۵.  
 ۱۰۵. عنوان کتاب: الصحیفة السجادیة روایة ابی علی محمد بن همام بن سهیل الاسکافی عن علی بن مالک، عن الامام زین العابدین، تقدیم السید محمد حسین حسینی جلالی، تحقیق: محمد جواد حسینی جلالی.  
 ۱۰۶. «زبور آل محمد در گذر تاریخ»، ص ۶۶.  
 ۱۰۷. این روایت به روایت ابن مطهر و یا روایت مطهری مشهور است.  
 ۱۰۸. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۲۶، ش ۱۱۴۴.  
 ۱۰۹. الفهرست (طوسی)، ص ۴۷۷، ش ۷۶۹.

به صحیفه ابن مطهر دسترسی داشته است.<sup>۱۱۰</sup> ابن شاذان قمی،<sup>۱۱۱</sup> شاگرد شیخ صدوق نیز دعای سوم صحیفه<sup>۱۱۲</sup> را از طریق ابن مطهر نقل کرده است.<sup>۱۱۳</sup> بنا بر این، طریق ابن مطهر، تا اندازه‌ای اطمینان‌آورتر از سایر راه‌هاست

۴. تیمن و تبرک بودن طریق: چهارمین قرینه بر اعتبار صحیفه سجادیه، شهرت کتاب صحیفه سجادیه است. در این صورت، اسامی موجود در طریق کتاب، تنها بیان‌گر مسند بودن طریق است و نیازی به بررسی راویان موجود در طریق نیست. این نظریه را نخستین بار مرحوم ملا محمد تقی مجلسی بیان کرده است. وی بر این باور بود که طرق تحمّل حدیث در نقل خبر به کتب غیر متواتر و غیر مشهور اختصاص داشته است. بنا بر این، نقل طرق در کتب متواتر نظیر کتب اربعه حدیثی و کتب مشهور در نزد ائمه ثلاثه (کلینی، صدوق و طوسی) موضوعیتی ندارد و ابداع شیخ صدوق در بازسازی مشیخه تنها برای تیمن و تبرک بوده است.<sup>۱۱۴</sup> آیه الله بروجردی نیز نظریه تیمن و تبرک را پذیرفته‌اند و افزون بر آن، معتقد بودند که دلیل آوردن «مشیخه» به وسیله شیخ صدوق و شیخ طوسی از آن روست که به خواننده اعلام کنند که احادیث مسند است و به گونه مرسل نقل نشده است؛ زیرا انتساب کتاب‌ها به نویسندگان ثابت شده بوده و نیاز به بیان اسناد نبوده است.<sup>۱۱۵</sup>

با توجه به این نظریه بعید نیست که ذکر سند در ابتدای صحیفه سجادیه هم از باب تیمن و تبرک بوده باشد تا خواننده صحیفه در قرن ششم دریابد که با کتابی روبه‌رو است که از زمان صدورش، اهتمام به انتقال دست به دست آن بوده است. اگرچه شهرت صحیفه مانند کتب اربعه نیست؛ ولی ذکر آن در کتاب‌های فهرستی و نیز تعبیر من ادعیه الصحیفه در کتاب مصباح‌المتجهج شیخ طوسی تا اندازه‌ای شهرت صحیفه نزد عالمان را نشان می‌دهد.

۵. فراوانی اعتماد عالمان به صحیفه کامله: پنجمین قرینه‌ای که اعتماد به صحیفه سجادیه کامله را افزایش می‌دهد، فراوانی عالمان بزرگی است که به روایت ابوالفضل

۱۱۰. کفایة الاثر، ص ۳۰۶.

۱۱۱. ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان قمی.

۱۱۲. فی الصلوة علی حملة العرش و کل ملک مقرب.

۱۱۳. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۱۷، ح ۸۵.

۱۱۴. روضة المتقین، ج ۱، ص ۲۹.

۱۱۵. کلیات فی علم الرجال، ص ۳۹۳.

شیبانی، مجمع الاسانید صحیفه، اعتماد کرده‌اند، بزرگانی مانند شیخ مفید، تلعبیری، حسین بن عبید الله غضایری، معدل و... صحیفه را از وی نقل کرده‌اند. این نکته مهم هم بر اتقان صحیفه خواهد افزود که نگاه فهرستی و گزارش صحیفه سجادیه به وسیله شیخ نجاشی و شیخ طوسی قرینه‌ای بر پذیرش روایت ابوالمفضل شیبانی است. از مقدمه کوتاه نجاشی و شیوه وی در کتابش می‌توان برداشت کرد که چنانچه وی کتابی را برای مؤلفی نام ببرد و در انتساب آن خدشه‌ای وارد نکند، کتاب را معلوم الانتساب دانسته است و طریق آن را هم درست می‌داند؛ چرا که نجاشی در مقدمه کتابش تصریح کرده است که درصدد نشان دادن میراث مکتوب سلف است<sup>۱۱۶</sup> و روش وی تنها گزارش کتاب‌ها نیست، بلکه به ارزیابی آنها پرداخته است.<sup>۱۱۷</sup> از سوی دیگر، عباراتی در کتاب‌های رجالی وجود دارد که بیان‌گر تفکیک میان شأن میراث‌بانی و شأن راوی است. کشی به نقل از عیاشی مطلبی را آورده است که عیاشی، با این که ابو یعقوب اسحاق بن محمد البصری را عالی، کبوتر باز و جاعل حدیث می‌دانسته، اما به بغداد سفر کرده تا از روی کتاب‌های وی نسخه برداری کند. ابو یعقوب ابتدا کتابی را از احادیث مفضل بن عمر در موضوع تفویض در اختیار عیاشی قرار می‌دهد که وی آن را نمی‌پذیرد و پس از آن نسخه‌ای دیگر از احادیث را به عیاشی می‌دهد که برگرفته از نوشته‌های ثقات بوده است.<sup>۱۱۸</sup> نمونه دیگر، ابن غضایری، احمد بن هلال عبرتایی را تضعیف کرده است، ولی روایاتی را از او می‌پذیرد که در دو کتاب مشیخه حسن بن محبوب و نوادر ابن ابی عمیر نقل شده باشد؛ زیرا که بسیاری از عالمان به این دو کتاب اعتماد کرده‌اند.

بنا بر این، ضعف ابوالمفضل شیبانی به خاطر نقل عالمان حدیث شناس از وی و طریق شیخ طوسی و نجاشی به صحیفه سجادیه‌ای که او گزارش کرده است، تا اندازه‌ای جبران می‌شود.

روایت مشهور - که از ابوالمفضل شیبانی رسیده است - در میان فقها و محدثان، جایگاه شناخته شده‌ای دارد. افزون بر عالمانی مانند مفید - که صحیفه او را روایت کرده‌اند - عالمان بزرگی مانند شهید اول، شهید ثانی، میرداماد، شیخ بهایی، محمد تقی مجلسی، محمد باقر مجلسی و... بر پاسداشت نسخه مشهور همت

۱۱۶. رجال النجاشی، ص ۳.

۱۱۷. رک: «نگره‌های کتابشناسی در فهرست‌های طوسی و نجاشی»، ص ۱۸۱.

۱۱۸. رجال الکشی، ص ۵۳۱.

گماردند.<sup>۱۱۹</sup> بنا براین، می‌توان گفت جایگاه صحیفه مشهور با نسخه‌های دیگر صحیفه بسیار متمایز است.

مجموعه روایت‌های صحیفه، برای جبران ضعف سند صحیفه کافی است و تفاوت نسخه‌ها با وجود پراکندگی جغرافیایی متون یافت شده از مصر، جبل عامل، استانبول و خراسان، از نظر متنی تفاوت معناداری ندارند؛ هر چند تعداد ادعیه در آنها یکسان نیست.

### نتیجه

۱. صحیفه سجاده از دیدگاه رجالی در زمره خبرآحاد قرار دارد و به دلیل وجود متوکل بن هارون، عمیر بن متوکل و ابی المفضل شیبانی، سند آن ضعیف است.
۲. نگاه فهرستی در اعتماد به میراث مکتوب باید جایگزین نگاه رجالی شود. در این صورت، وجود راوی در سلسله سند تنها بیان‌گر مسند بودن میراث مکتوب است و نام بردن از راویان کتاب‌های مشهور برای تیمن و تبرک و نیز ارج نهادن به تلاش کسانی است که میراث مکتوب را پاسداری کرده و به نسل پس از خود منتقل کردند. چنین نگاهی با توجه به قرینه‌های متعدد، سبب افزایش اعتبار صحیفه کامله سجاده خواهد شد.
۳. روایت‌های پنج‌گانه موجود از صحیفه سجاده و تطبیق دعاهای آنها - که از نظر متن همانند یکدیگرند - قرینه مهمی برای اعتماد به صحیفه کامله سجاده است؛ به ویژه پراکندگی روایات صحیفه سجاده در پهنه جغرافیایی و میراث حدیثی لبنان، مصر، استانبول و خراسان بر درستی روایات صحیفه سجاده حکایت دارد.
۴. فقیهان بزرگ و عالمان استوار اندیش بر روایت ابوالمفضل شیبانی بیشتر اعتماد کرده‌اند. بنا براین، روایت وی از سایر روایت‌های موجود، برتر است.
۵. روایت‌های دیگر صحیفه نیز با قرینه‌هایی نظیر گزارش دعاهایشان در میراث حدیثی شیعه و سنی همراه‌اند. از این رو، دعاهای مشترک در تمامی روایت‌های صحیفه سجاده از اهمیت بیشتری برخوردارند.
۶. با توجه به شیوه نجاشی در گزارش کتاب‌ها، صحیفه سجاده معلوم الانتساب است و طریق آن هم صحیح است.

۱۱۹. «عالمان صحیفه نگار»، سفینه ۷.

## کتابنامه

- اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- الاعلام، خيرالدين زركلي، بيروت: دارالملايين.
- الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، رضى الدين على بن موسى بن جعفر ابن طاووس، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
- الامالي، محمد بن حسن طوسي، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- الامالي، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد)، تحقيق: حسين استاد ولي، على اكبرغفاري، بيروت: دارالمفيد للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق.
- أمل الأمل، محمد بن حسن حر عاملي، تحقيق: احمد الحسيني، بغداد: مكتبة الاندلس، ۱۳۸۵ق.
- بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقى مجلسي، تهران: المكتبة الاسلاميه، ۱۳۸۸ق.
- بغية الوعاة، سيوطي.
- تاريخ بغداد او مدينة السلام، احمد بن على خطيب بغدادى، مدينه: المكتبة السلفية.
- التحصين، سيد على بن موسى بن طاووس، تحقيق: الانصاري، قم: دارالكتاب.
- تنقيح المقال، عبدالله مامقاني، نجف اشرف: المطبعة المرتضوية.
- جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع، على بن موسى بن جعفر سيد بن طاووس، تحقيق: جواد قيومي، قم: مؤسسة الآفاق ۱۳۷۱ش.
- خاتمة المستدرک، حسين بن محمد تقى نوري، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- دراسات في علم الدراية (تلخيص مقباس الهداية)، على اكبر غفاري، تهران: جامعة الامام الصادق، ۱۳۶۹ق.
- دراسة حول الصحيفة، محمد حسين حسيني جلالى، بيروت: الاعلمى، ۱۴۲۱ق.
- الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرك تهراني، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- الرجال، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: جواد قيومي اصفهاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
- الرجال، احمد بن الحسين ابن الغضائري، تحقيق: حسيني جلالى، قم: دارالحديث، اول، ۱۴۲۲ق.
- الرجال، حسين بن على، ابن داود قم: منشورات الرضى.



- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: محمد جواد النائینی، بیروت: دار الاضواء.
- الرسائل الرجالية، محمد بن محمد ابراهیم کلباسی، تحقیق: محمد حسین درایتی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- الرعاية فی علم الدراية، زين الدين بن علی شهيد ثانی، تحقیق: مركز الابحاث و الدراسات الاسلامية، قم: بوستان كتاب، اول، ۱۴۲۳ق.
- روضة المتقين، محمد تقی مجلسی، تهران: بنياد فرهنگ اسلامي.
- رياض السالكين فی شرح صحیفة سيد الساجدين، سيد عليخان مدني شيرازي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۵ق.
- رياض العلماء، عبد الله بن عيسى بيگ افندي، تحقیق: سيد احمد حسيني، قم: مكتبة آية الله المرعشي.
- شرح الصحیفة، محمد باقر ميرداماد، تحقیق: مهدي رجايي، اصفهان: مهديه الميرداماد.
- الصحیفة السجادية، علی بن الحسين، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۳۶۳ش.
- الصحیفة السجادية الجامعة، سيد محمد باقر أبطحي اصفهاني، قم: مؤسسة الانصاريان، ۱۴۱۱ق.
- الصحیفة السجادية رواية أبي علی محمد بن همام بن سهيل الاسكافى عن علی بن مالك، عن الامام زين العابدين، تقديم: السيد محمد حسين حسيني جلالی، تحقیق: محمد جواد حسيني جلالی.
- الصحیفة السجادية، تحقیق: كاظم مدير شانه چي، مشهد: مجمع البحوث الاسلامية، ۱۴۱۳ق.
- صحیفة سجادية، به روايت حسين بن اشکيب، سيد احمد سجادي، تحقیق: مركز تحقيقات رايانه ای حوزه علميه اصفهان، قم: مؤسسة فرهنگي مطالعاتي الزهرا (س)، اول، ۱۳۸۳ش.
- عمدة الطالب، احمد بن علی ابن عنبة، تصحيح: محمد حسن آل طالقاني، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سيد جواد قيومي، قم: الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- الفهرست، منتجب الدين ابن بابويه تحقیق: سيد جلال الدين محدث ارموي، قم: مكتبة آيت الله مرعشي، ۱۳۶۶ش.

- قاموس الرجال، محمد تقی تستری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، تصحیح: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقه، ۱۴۱۷ق.
- الكامل فی التاریخ، محمد بن محمد بن عبد الکریم (ابن اثیر)، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، علی بن محمد بن علی خزاز قمی، تحقیق: عبد اللطیف حسینی کوه کمره ای، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- المزار، محمد بن جعفر مشهدی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: نشر القیوم، ۱۴۱۹ق.
- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، قم: بی جا، بی تا.
- معجم المؤلفین، عمر رضا کحالة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ق.
- معجم رجال الحدیث، ابو القاسم خوئی، قم: مدینه العلم، ۱۴۰۳ق.
- معجم مصطلحات الرجال و الدراریة، محمد رضا جدیدی نژاد، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
- مهج الدعوات، علی بن موسی ابن طاووس، تحقیق: حسین الاعلمی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۱۴ق.
- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ۱۴۰۸ق.
- یحیی بن زید، محمد قنبری، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۵ش.
- ینابیع المودة لدوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، تهران: دار الاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۶ق.
- «اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله»، منصور پهلوان، فصلنامه علوم حدیث، پیاپی ۱۲، ۱۳۷۸ش.
- «صحیفه سجادیه به روایت ابن مالک»، فصلنامه علوم حدیث، علی صدراپی خویی، پیاپی ۲۹، ۱۳۸۲ش.
- «منابع نعمانی در غیبت»، سید محمد جواد شبیری، بازسازی متون کهن شیعه، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۸ش.
- «نگره های کتابشناختی در فهرست های نجاشی و طوسی»، سید محمد عمادی حائری، فصلنامه علوم حدیث، پیاپی ۳۵ - ۳۶، تابستان ۱۳۸۲ش.